

# مقایسه دو سنخ خردورزی خودبنیاد و وحی بنیاد در مناظره ابو حاتم رازی و محمد بن زکریای رازی

احد فرامرز قراملکی<sup>۱</sup>، عباسعلی منصور<sup>۲</sup>

## چکیده

در بررسی سیر جریان عقلگرایی در جهان اسلام معمولاً به بررسی چالشهای جریان عقلگرایی با گروههای ظاهرگرا، متکلمان اشعری و صوفیه پرداخته میشود و کمتر به بررسی و مقایسه جریانهای مدافع عقل با یکدیگر اقبال میگردد.

در میان جریانهای مدافع عقل، دو سنخ خردورزی خودبنیاد و خردورزی وحی باور جایگاه مؤثرتری دارند. زیرا در گفتگوی این دو سنخ از خردورزی است که نیازهای متقابل عقل و دین به هم آشکار میشود و گفتگوها از جدلهای صنفی فاصله گرفته و به گفتگوی واقعی نزدیکتر میگردند.

هدف این نوشتار بررسی مواضع خلاف و وفاق خردورزی ابو حاتم رازی، احمد بن حمدان (ف. ۳۲۲ ه. ق.) و محمد بن زکریای رازی (ف. ۳۱۳ ه. ق.) بعنوان نمایندگان خردورزی خودبنیاد و خردورزی وحی بنیاد در قرن سوم و چهارم هجری است. این دوره اهمیت زیادی در تاریخ تفکر اسلامی دارد، زیرا در این دوره است که گفتمانها و مکاتب فکری شکل میگیرد و نظریه‌ها و مرزبندیها ظهور و نمود مییابد.

۱. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): abas.mansory@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۳/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۷



فروکاستن اختلاف عقلگرایی ابوحاتم و محمدبن زکریای رازی به اعتقاد یا عدم اعتقاد ایشان به ضرورت نبوت، یک مقایسه بسیار سطحی است که مؤلفه‌ها و ماهیت عقلگرایی ایشان را بیان نمی‌کند. نوشتار حاضر در پی این است که ریشه‌های دورتر و اصلی این اختلاف را واکاوی نماید و تصویری از روش عقلگرایی و نظام معرفتی هر یک ارائه دهد.

**کلید واژه‌ها:** ابوحاتم رازی، محمدبن زکریای رازی، عقلگرایی، عقلگرایی خودبنیاد، عقلگرایی وحی باور، سعادت، نظر و عمل، فلسفه

\* \* \*

### بیان مسئله

نسبت «دینداری» و «خردباوری» یا بعبارتی جایگاه و گستره خرد و خردورزی در نسبت با دین همواره از نخستین و مهمترین مشغله‌های ذهنی متفکران مسلمان بوده است. در جهان اسلام در سه قرن نخست، عقلگرایی و خردورزی در قالب رویکردها و صورتهای مختلفی بروز و ظهور یافت: عقلگرایی سیاسی و دنیا اندیش، عقلگرایی ماتریدیه، عقلگرایی شیعه امامیه، عقلگرایی فلاسفه وحی باور، عقلگرایی فلاسفه وحی منکر.

در بررسی چالشها و فراز و فرودهای جریان عقلگرایی در جهان اسلام، معمولاً به بررسی چالشهای جریان عقلگرایی با گروههای ظاهرگرا، متکلمان اشعری و صوفیه پرداخته میشود و کمتر به بررسی و مقایسه جریانهای مدافع عقل با یکدیگر اقبال میشود. در میان جریانهای مدافع عقل، دو سنخ خردورزی خودبنیاد و خردورزی وحی باور جایگاه مؤثرتری دارند. زیرا در گفتگوی این دو سنخ از خردورزی است که نیازهای متقابل عقل و دین به هم آشکار میگردد و گفتگوها از جدلهای صنفی فاصله گرفته و به گفتگوی واقعی نزدیک میشود.

مقصود از خردورزی خودبنیاد در این متن، گونه‌یی از تفکر نیست که منکر امکان معرفت مابعدالطبیعی و یا در پی اصالت بخشیدن به انسان و زندگی این جهانی است و همچنین مقصود اشاره به این بحث نیست که عقل حجیت ذاتی داشته و حجیت خود را از دین نمیگیرد؛ بلکه بطور مشخص مراد از خردورزی خود بنیاد در اینجا آن نوع خردورزی است که در عین اعتقاد به خدا و معاد و اصالت داشتن زندگی پس از مرگ، معتقد است که تنها منبع معرفتی برای رسیدن به

۹۲

